

انهدام باند بچه محلی های سارق

در پی اعلام یک فقره زورگیری از یک سوپرمارکت در محدوده بولوار پیروزی مشهد از سوی چند جوان با سروروت پوشیده، تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی وارد عمل شدند. بنا بر شواهد موجود سارقان با تهدید صاحب سوپرمارکت با یک قبضه چاقو ۱۰۰ هزار تومان وجه نقد را از او زورگیری کرده بودند. کارآگاهان پلیس در حالی تحقیقات خود را درباره این سرقت آغاز کرده بودند که تصاویری از صحنه ارتکاب جرم در فضای مجازی منتشر شده بود. مأموران با استفاده از همین سرخ و اقدام های گسترده اطلاعاتی اعضای این باند سرقت را شناسایی و تحت تعقیب قرار دادند. به گفته سرهنگ شفیع زاده، رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی در دست زمانی که متهمان در حال ورود به یک سوپرمارکت در محدوده خیابان نخریسی مشهد بودند پلیس آن ها را غافل گیر و دستگیر کرد. متهمان در اعترافات خود مدعی شدند بچه محل هستند و قبل از ارتکاب سرقت ها قرص های روانگردان مصرف می کرده و تاکنون از ۴ سوپرمارکت سرقت کرده اند.

دستگیری مجرم سابقه دار حین ارتکاب جرم

گزارش سرقت از مغازه همسایه از سوی چند نفر از شهروندان مشهدی به پلیس اعلام شد و طولی نکشید که یابی تیم دایره تجسس کلانتری شیرازی به محل باز شد. سارقی که مردی حدوداً چهل ساله است غافل از حضور پلیس داخل مغازه مشغول سرقت بود که مجریان قانون او را قبل از اینکه دست به چاقو شود، دستگیر کردند. مجریان قانون بازرسی از کیسه ای که این مرد جوان همراه خود داشت تعداد ۲۶۰ قلم کالا شامل ساعت مچی انگشتر نقره، ادکلن، ۱۱ جیمه حاوی نئین، ۳۷ قطعه اسکناس ۲۵۰ دیناری عراق، ۶ قطعه اسکناس ۱۰۰۰ روپیه ای پاکستان و ۴ قطعه اسکناس ۵۰ روپیه ای هند را کشف و ضبط کردند. به گفته سرهنگ صرمی، رئیس پلیس مشهد متهم اعتراف کرده است که یک سال پیش از زندان آزاد و به همراه دوستش مرتکب این سرقت ها شده است که تحقیقات درباره شناسایی این فرد ادامه دارد.

دزد فراموش کار در بند قانون

دقایق بامدادی بیستم اسفند ماه بود. صاحب خانه متوجه حضور فردی غریبه در خانه اش شد. متهم پس از رویه و شدن با صاحب خانه خود را از دیوار بالا کشید و متواری شد. با اعلام موضوع به پلیس تحقیقات پرونده از سوی مأموران کلانتری سیدی مشهد آغاز شد. پیگیری این پرونده ادامه داشت تا اینکه بعد از گذشت ۳۰ روز متهم تحت تعقیب دوباره به محل جرم خود بازگشت تا این بار به خانه فردی دیگر دستبرد بزند. در این میان صاحب خانه متوجه حضور دزد در خانه اش شد و موضوع را به پلیس گزارش کرد. صاحب خانه که نمی خواست متهم از چنگش بگریزد راهش را سد کرد که در این لحظه سارق به رویش چاقو کشید و این مرد جوان را از ناحیه دست زخمی کرد. درگیری صاحب خانه و این سارق سابقه دار ادامه داشت که مأموران کلانتری سیدی سر رسیدند و متهم را دستگیر کردند. متهم برای سیر مراحل قانونی به دادسرا معرفی شد.

یخ هایی که در دره ها آب نمی شوند (قسمت اول)

ایلیا موسایی

ماجرا هر چه بود طوری گوش به گوش زمزمه شد که همه اهالی خاک مرگ چاهایی که از خواب زمستانی بیدار می شوند به جنب و جوش افتادند و کم کم دست جنبانند که از قافله عقب نمانند. اما هر چه کردند عبدا... یک پول سیاه هم نم پس نداده بود. گفته بود سوشان را بگذارند دم کوزه. سما خانم تا آمده بود اصرار کند، عبدا... ترش کرده بود و موقعی که لنگه در را به هم می گفت گفت: «همین که گفتم» زمستان سختی بود و ساعت ها برای عبدا... کش می آمدند و تمام روز را مجبور بود در خانه کز کنند. تنها پیشامد روز، دم غروب بود که صدای زنگوله ها و هی کردن های حسین چوپان شنیده می شد و عبدا... نسر دوراهی می ایستاد تا ته مانده گوسفند هایش را از گله جدا کند و حیوان ها بخزند در تاریکی آغل. دوماه پیش گرگ به گله زده بود، از هر کسی کم پیش چیزی دریده بود اما سهم عبدا... طوری بود که انگار جور همه روستا را کشیده باشد. آن موقع که گرگ زد کربلایی عیسی هنوز چوپانی می کرد. عیسی گوسفند های گرسنه را برده بود سمت بلندی بلکه میان بر فها بوته های خشکی پیدا شود و بعد از ۱ ساعت نعل، تا گوسفند ها را بخواهد از گرنه عبور دهد، گرگ ها رسیده بودند. زبان بسته های سرما زده که از ترس چشم در حدقه چرخانده بودند، در کوه کمر رم کردند. بیست سی تایت پرت شدند توی دره یخ بسته و کربلایی عیسی تا دست بگرداند، پایش سر خورد و طوری روی صخره ها سقوط کرد که کوبیدستی زبردست و پایش شکست. روز بعد اهالی روی شاخه های یک گز که پنداش پیدایش کردند که با سابق شکسته خودش را آکشانده بود روی شاخه ها اول فکر کردند یخ زده اما نیم ساعت بعد با تکان های عبدا... بیدار شد و ناله کرد. می گفت که با آخرین ناز همان بلاش اولاش شدن گوسفند ها را تماشا کرده و بعد نفهمیده کی از حال رفته است. از سرما نیمه جان بود و از همانجا تا وقتی او را روی تشک بهداری خوابانند، تمام مسیر را پشت نیشان عبدا... گریه کرد و لرزید. گوسفند ها را گله به گله از سرایشی ها و شکاف های یخ زده دره جمع کردند. وقتی که نشستند به شمرند، از سهم عبدا... فقط ۵ میش مانده بود با ۳ تاره شیشک. انگار که گرگ فقط به عبدا... زده باشد، نه کسی چیزی گردن گرفته نه کسی کمکی کرد. عبدا... هم به قهر خرید کنج جگره و فقط برای گیراندن زغال قلیان به حیاط می آمد و دم غروب می رفت سر دوراهی و بدون سلام ته مانده گوسفند هایش را راهی آغل می کرد. چند هفته بعد از ماجرای گرگ، سما خانم خبر آورده بود که حاجی یغمایی بنگاه باز کرده و سر هر یک تومانی که می گذارند ماهانه سود می دهد. سما خانم هر چه کرد و هر چه گفت عبدا... سنج ماند و یکدنگی کرد. مثل نیشان زنگار گرفتاش شده بود. همان طور کاهل و بی حرکت و خاک گرفته ماه ۳ که گذشت همه اهالی دیدند که وعده های حاجی یغمایی بیره نبوده و سر ماه به همه سود رسانده. همین شد که سگر مه های عبدا... شل شد و... (ادامه دارد)



رمز گشایی از اجساد سوخته در مشهد

آخر هفته گذشته ۴ پرونده مرگ مشکوک در شعبه جنایی دادسرای ناحیه ۲ گشوده شد

گزارش روز

مهدی قرآنی در ۳ روز پایانی ماه گذشته که گذشت گزارش ۳ مرد جوان و یک کودک خردسال در مشهد به شعبه جنایی دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه دو اعلام شد و پای باز پرس احمدی نژاد را به این پرونده باز کرد.

کشف جسد سوخته در بیابان

کشف جسد سوخته مردی جوان در عصر هجدهم فروردین در بیابان از سوی اهالی یکی از مناطق تبادکان به پلیس گزارش شد و طولی نکشید که باز پرس ویژه قتل عمد دادسرای مشهد را سر خط این گزارش کرد. با حضور قاضی علی اکبر احمدی نژاد در محل مشاهده شد که جسد متعلق به مردی بیست و نه ساله می باشد که بخش هایی از بدنش سوخته است. بنا بر اظهارات یکی از شاهدان این ماجرا، متوفی قبل از مرگ در حالی که آثار سوختگی داشته و در بیابان سرگردان بوده به او گفته است که صبح (هجدهم فروردین) افرادی او را به زور سوار بر یک دستگاه سمند کرده و به این منطقه انتقال داده و سپس او را با بنزین سوزانده اند. جسد با دستور قاضی احمدی نژاد برای تعیین علت مرگ به پزشکی قانونی انتقال یافت و تحقیقات پرونده نیز از سوی کارآگاهان پلیس

آگاهی آغاز شد. در ادامه بررسی های این پرونده کارآگاهان پلیس موفق شدند ۳ بطری یکونیم لیتری بنزین که ۳ مورد آن خالی و یکی از آن ها پر بود را از ارتفاعات نزدیک به محل حادثه کشف کنند. در پیگیری های بعدی این پرونده هم مشخص شد که متوفی سابقه خودکشی داشته و از اهالی تبادکان بوده است. با اینکه متوفی قبل از مرگ ادعا کرده از سوی افرادی ربوده و به آتش کشیده شده است ولی تحقیقات این پرونده ادامه دارد.

شلیک با وینچستر

دومین مرگ مشکوک در ساعت ۲۲:۰۰ هجدهم فروردین در منطقه فلاحی مشهد اتفاق افتاد. طبق گزارش پلیس مردی جوان به وسیله اسلحه وینچستر در خانه پدرش به قتل رسیده بود. با اعلام این گزارش بلافاصله باز پرس ویژه قتل عمد دادسرای مشهد راهی محل جرم شد.

در بررسی های اولیه قاضی علی اکبر احمدی نژاد در صحنه جنایت مشخص شد که متوفی مردی سی و پنج ساله بوده که از ناحیه سمت راست شکم هدف گلوله سلاح وینچستر قرار گرفته است. بنا بر اظهارات ضد و نقیض اهالی خانه متوفی از همسرش جدا شده و به همراه فرزندش در خانه پدر

خود زندگی می کرده که شب حادثه همراه برادرزاده اش بوده است. طبق ادعای شاهدان ماجرا، برادرزاده متوفی داخل اتاق بوده که عمویش به همان اتاق می رود و بعد از گذشت دقایقی صدای شلیک تیر شنیده می شود. برادرزاده متوفی سپس اسلحه به دست وارد اتاق پذیرایی می شود و می گوید که عمویش خود را با اسلحه کشته است. باز پرس ویژه قتل عمد دادسرای ناحیه دو مشهد بیان کرد: دست خطی مبنی بر خودکشی همراه متوفی بوده است. البته برادرزاده متوفی نیز متواری است و تا دستگیری این پسر جوان هنوز نمی توان اظهار نظری در این باره داشت.

فوت پسر بچه

صبح روز بعد از حادثه تیراندازی در منطقه فلاحی مرگ مشکوک پسر بچه چهار ساله که در یکی از بیمارستان های مشهد بستری بود، به باز پرس احمدی نژاد اعلام شد و این مقام قضایی را وارد تحقیقات پرونده یک مرگ مشکوک دیگر کرد. در تحقیقات اولیه این پرونده مشخص شد که متوفی چند روز قبل از سوی خانواده اش از گلبهار به این بیمارستان منتقل شده است. پسر بچه آثار ضرب و شتم و خون ریزی داخلی داشته و پس از انتقال به بیمارستان به کما رفته است. تحقیقات اولیه



کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی حاکی از این بود که متوفی و برادر یازده ساله اش با پدر و نامادریشان زندگی می کرده اند که طبق ادعای نامادر ناتنی، این طفل معصوم طی درگیری با برادر بزرگتر خود ضربه خورده است. مادر ناتنی متوفی در اظهارات خود به پلیس گفته است که برادر یازده ساله این پسر بچه رزمی کار است و روز حادثه برادر کوچکش را مورد ضرب و شتم قرار داده است. با اینکه ایهامات زیادی در این ماجرا وجود داشت اما پرونده به دستور قاضی احمدی نژاد برای ادامه تحقیقات در اختیار دادسرای گلبهار قرار گرفت.

سوزاندن مرد ۵۰ ساله در سطل زباله

ساعت ۸:۳۰ صبح روز پنجشنبه بود که گزارش کشف یک جسد سوخته از سوی تعدادی از کارگران شهرداری مشهد به پلیس گزارش شد و طولی نکشید که این خبر هم

جولان کووید ۱۹ در ایالات متحده

آمریکا امیرا شمار قربانیان ویروس کرونا، در ایالات متحده آمریکا تا دیروز به بیش از ۱۶ هزار و ۴۰۰ نفر رسید. بنا بر آمار دانشگاه جان هاپکینز، تاکنون شمار مبتلایان قطعی به ویروس کرونا در آمریکا به بیش از ۴۶۲ هزار نفر رسیده است. طی ۲۴ ساعت گذشته هم بیش از ۲۷ هزار مبتلای قطعی تازه به تعداد مبتلایان به این ویروس در آمریکا افزوده شده است.

مرگ ۱۰۰ پزشک ایتالیایی

ایتالیا افسار رسانه های ایتالیایی اعلام کردند که دست کم ۱۰۰ پزشک در این کشور به دلیل ابتلا به ویروس کرونا جان خود را از دست داده اند. ایتالیا بیشترین آمار قربانیان ویروس کرونا در سراسر جهان را به خود اختصاص داده و بر اساس آخرین آمار، قربانیان ویروس کرونا در این کشور به ۱۸ هزار و ۲۷۹ نفر رسیده است.

صفر شدن آمار کرونا در یک روز

کره جنوبی اینرا مرکز پیشگیری و کنترل بیماری های کره جنوبی اعلام کرد که روز گذشته برای اولین بار پس از شیوع کرونا در شهر «دایه گو» کانون اصلی آن در جنوب شرق این کشور، هیچ یک از شهروندان در این منطقه به ویروس کرونا مبتلا نشده اند. شهر دایه گو که از ماه فوریه با ویروس کرونا درگیر شده است نزدیک به ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر جمعیت دارد و تاکنون هزاران نفر به دلیل ابتلا به کرونا راهی بیمارستان های این شهر شده اند.



قتل «احتشام»

جمعه غروب به کارگاه علوی خبر دادند که یک ساعت قبل قتل اتفاق افتاده است و او خود را به صحنه جنایت رساند. مقتول پیر مردی هشتاد ساله به نام احتشام بود که با خواهر ناتنی اش زندگی می کرد. اهالی خانه او را در حالی پیدا کرده بودند که با ضربات چاقوی باغبانی به قتل رسیده و با بطری شیر چندین مرتبه به سرش کوبیده شده بود. کارگاه علوی با ۵ نفر از افرادی که با مقتول در ارتباط بودند صحبت کرد و در نهایت اعلام کرد که یکی از آن ها دروغ می گوید و در این قتل نقش داشته است.

خدمتکار: «از ظهر در حال تمیز کردن آشپزخانه بودم»  
 آشپز: «برای شام آقای احتشام مشغول درست کردن غذا بودم»  
 باغبان: «برای کاشت گل به دستور آقای خانه همسایه رفته بودم»  
 وکیل: «برای انجام امور بانکی آقای احتشام تا عصر در بانک بودم»  
 خواهر ناتنی: «در اتاق بالای سرواوی در حال کتاب خواندن بودم»



لطفاً پاسخ خود را به شماره ۰۲۱-۳۰۰۰۰۰۰۰ پیام کنید. پاسخ های پلیسی سبک، نوزدهم فروردین «سرتان گردن بند گران قیمت»؛ بر اساس شواهد و ادله موجود در محفل جرم پلیس مطمئن بود که طایف اسبیت دروغ می گوید. چرا که پنجه از داخل شکسته شده بود و اگر پنجه از بیرون شکسته می شد خرد شده شیشه های آبروی می ریخت.

جدول شماره ۲۹۰۱

دلیل محکم ۳ شاه قاجار	شکم پند جزء جمله سوغات	سرای مهر قوت غالب توروز	رود اروپایی جوجه تیغی چروک پوست	خیس گماشتن اغراق	پدیریزگ آرزو براندازها ماه سوم	خودروی وطنی غربال	عبودینامی سودای تاله	نوآوری عصبر استخوان
میان بدین فهمیدن از احشام	گمان اهل مازندران	بول روسیه همسر یعقوب	پول کانادا پایتخت بحرین	سرزمین سبزی غذای	مردان مادر فلزات	مهمانسرای مچل درس کشیدی	آب شرعی سنگریزه	شخص برهنه
ریشه گرفتن کامپیوتر	سپاس شیرین	گوشت تری مسافری عمومی	واحد بوکس از مرکبات	پاراف	میان سال تحصیلی	خانه بزرگ		
اموختنی لقمان کمک	سریع تر غذای تزیینی	مجموعه تلویزیونی بازده	کلمه همراهی	ابزار تنظیف				

پاسخ جدول ۲۹۰۰

shahr.puzzle@shahrara.com

طراح: محمدرضا علیزاده